

بررسی اعجاز قرآن در دانشنامه قرآن الیور لیمن*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و حسین علوی***

چکیده

دانشنامه نویسی پیرامون علوم و معارف قرآنی یکی از رویکردهای مستشرقان یا همان قرآن پژوهان غیرمسلمان در دوران معاصر است. دانشنامه قرآن (The Qur'an: An Encyclopedia) ویراسته «الیور لیمن» استاد مطالعات فلسفی در دانشگاه کنتاکی (آمریکا) و متخصص در فلسفه اسلامی و فلسفه یهودی قرون میانه، یکی از همین موارد است. یکی از مباحث مهم این دانشنامه، بحث «اعجاز یا تقلیدناپذیری» قرآن است. بحث اعجاز قرآن در این دانشنامه در چند مدخل از جمله: مدخل های اعجاز قرآن، مطالعات قرآنی، معجزه بودن قرآن، زبان و قرآن مطرح شده است. اما پیکره اصلی بحث در همان مقاله با مدخل «اعجاز قرآن» اثر «اشتفان ویلد» ارایه شده است؛ بیان این دانشنامه درباره «اعجاز قرآن»، به رغم داشتن نقاط قوتی مانند، بیان ساده و روان، طرح اکثر جوانب بحث، و...، حاوی ادعاهایی است که نیازمند تامل و بررسی هستند. از جمله می توان به این موارد اشاره نمود: پیشینه و سابقه وجودی شفاهی و مکتوب بحث اعجاز؛ تحدی قرآن و ادعای تحدی به آوردن یک آیه مثل قرآن؛ اعتقاد به اعجاز قرآن و مقایسه آن با اعتقاد اهل کتاب به اعجاز عهدین؛ حمله ها و شبهات و نیز دفاعیات برخی مستشرقان از اعجاز قرآن و وضعیت مباحث اعجاز در سده اخیر.

واژگان کلیدی: قرآن، اعجاز، الیور لیمن، اشتفان ویلد، مستشرقان، تقلید ناپذیری قرآن.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸.

** استاد جامعه الصمصافی رحمته الله العالمية: rezaee@quransc.com

*** دانشجوی دکتری رشته قرآن و مستشرقان: hosainalawi@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم آخرین سروش آسمانی است که بر آخرین پیامبر خداوند، حضرت محمد ﷺ، نازل شد تا راهنمای جهانیان به سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی باشد. قرآن فقط یک کتاب نیست بلکه یک معجزه عظیم الهی و نشانه‌ای جاویدان بر صادق بودن آخرین پیامبرش نیز محسوب می‌گردد. از این روست که قرآن و علوم مختلف آن، از جمله بحث اعجاز قرآن، از همان آغاز ظهور اسلام مورد توجه ویژه مسلمانان و مخالفان قرار گرفت. عظمت قرآن کریم و غنای علوم و معارفش به گونه‌ای بوده و هست که توجه مستشرقان فراوانی را به خود جلب کرده و این مطلب را می‌توان از حجم انبوه آثار آنها پیرامون قرآن و معارفش مشاهده نمود.

یکی از آثار قرآنی مستشرقان در دوره متأخر دانشنامه قرآن (The Quran: an Encyclopedia, Routledge, 2006)، به سرویراستاری الیور لیمن (Oliver Leaman) است. یکی از مباحث مهم این دانشنامه، بحث «اعجاز یا تقلیدناپذیری» قرآن است. بحث اعجاز قرآن در این دانشنامه در چند مدخل از جمله: مدخل‌های اعجاز قرآن (Stefan Wild, INIMITABILITY, pp. 295-296)، مطالعات قرآنی (Hussein Abdul-Raof, QURANIC STUDIES, pp. 522-525)، معجزه بودن قرآن (Oliver Leaman, MIRACULOUSNESS OF THE QURAN, pp. 403-406)، زبان و قرآن (Afnan H. Fatani, LANGUAGE AND THE QURAN, 356-372) و ... مطرح شده است. اما پیکره اصلی بحث در همان مقاله یا مدخل «اعجاز قرآن» ارایه شده است.

نقاط قوت

شایان ذکر است که قصد بررسی و بیان نقاط قوت و ضعف کل دانشنامه را نداریم، چرا که این مطلب قبلاً صورت گرفته است (ر.ک. رضایی اصفهانی، معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن، ۱۳۸۸: ۷۲-۲۹). لذا مطالب بیان شده در این مقاله ناظر به بحث اعجاز این اثر است. شاید بتوان بیان ساده و روان این دانشنامه، طرح اکثر جوانب بحث اعجاز، ارایه دو دیدگاه مؤید و منتقد در بحث موردنظر و تبیین برخی از مباحث در قالب مثال‌های کاربردی را از مزایای آن به حساب آورد.

نقاط ضعف

از مهمترین ضعف‌های این دانشنامه در بحث اعجاز، عدم ارایه صورت کامل بحث در یک مدخل خاص و معین است. در این اثر، مباحث اعجاز قرآن در مدخل‌های مختلف و به صورت

پراکنده ارایه شده و مدخل اصلی این بحث، «اعجاز قرآن»، ارایه شده توسط اشتفان ویلد «Stefan Wild» تقریباً مختصر بوده؛ لذا نتوانسته تمام جوانب بحث را ارایه نماید. تک‌بُعدی نگری نیز از دیگر کاستی‌های آن است که مقاله «معجزه بودن قرآن» اثر «الیور لیمن» می‌تواند نمونه آن باشد، زیرا وی در این مقاله صرفاً وجه بلاغی و بیانی قرآن را بحث نموده، یعنی به گونه‌ای تلویحی معجزه بودن قرآن را محدود به بُعد ادبی آن نمایانده است. از سوی دیگر، سطح علمی این مقالات نیز یکسان نیست؛ در حالی که عمده مقالات در سطح عمومی است، درک و فهم برخی دیگر دشوار بوده و داشتن اطلاعات تخصصی خاصی را می‌طلبد.

الف: ترجمه بخش‌هایی از مقاله‌ها

۱) اعجاز قرآن

اشتفان ویلد در مقاله اعجاز قرآن می‌گوید: «خود کلمه اعجاز در قرآن نیامده است اما مفهوم اعجاز در شماری از آیات بیان شده است: این آیات مخالفان پیامبر ﷺ را به چالش کشیده و توانایی آنها برای آوردن چیزی مانند قرآن، حتی در حد یک سوره یا یک آیه را مردود می‌داند». وی در ادامه می‌گوید: «رساله‌هایی که از سده سوم هجری (نهم میلادی) به بعد تألیف شدند، کلام منسجمی را راجع به معجزات نبوی پدید آوردند» (Stefan Wild, INIMITABILITY, p. 295).

وی به مقایسه اعجاز قرآن نزد مسلمانان با تورات و انجیل نزد یهود و مسیحیان پرداخته و می‌گوید: «مسلمانان، مانند یهودیان و مسیحیان، برای کتاب خودشان ویژگی را قایل اند که متضمن معنای الهی بودن آن است. به عبارت دیگر، قرآن خودش را توثیق می‌کند؛ در حوزه تفسیر، تجربه جامعه از قرآن شاهدی بر اعتبار و اصالت پیام قرآنی است» (ibid.).

در ادامه مولف مقاله ادعا می‌کند: «به نظر می‌رسد در سده بیستم این مباحث [اعجاز] پیرامون ماهیت قرآن به عنوان کلام الهی بسیار کاهش یافته باشد. اکنون، اعجاز قرآن بیشتر از سوی برخی نمایندگان تفسیر «ادبی» یا «بیانی» مطرح است؛ ... شاید اهمیت علمی مفهوم اعجاز و تقلیدناپذیری نیز کاهش یافته باشد؛ زیرا لازمه درک مفهوم اعجاز، تسلط به زبان عربی کلاسیک و نیز درک زیباشناسی بدیع عربی است. از آنجا که امروزه تنها ۱۰٪ جهان اسلام عرب‌ها هستند، انتقال این مفهوم در خارج از حلقه کوچک علما دشوار است» (ibid, p. 296).

ایشان در انتهای مقاله متذکر هجده مستشرقان قرون ۱۹ و ۲۰ به سبک و عقیده اعجاز و تقلیدناپذیری قرآن می‌شود و شبهاتی نظیر ابهام و آکندگی قرآن از اشتباهات را از «نولدکه» و «شوالی» و نیز خشک و ملال‌آور بودن متن قرآن را از «ونزبرو» نقل می‌کند (ibid).

۲) معجزه بودن قرآن

الیور لیمن در مدخلی تحت عنوان (MIRACULOUSNESS OF THE QURAN)، ضمن بیان مثال‌هایی از کاربرد واژگان و عبارت‌های قرآنی، به تبیین جنبه اعجاز ادبی و بیانی قرآن نیز می‌پردازد. وی به درستی بیان می‌کند: «قرآن از هیچ چیز و هیچ‌کس تقلید نمی‌کند و قابل تقلید نیز نیست. سبک قرآن، حتی بعد از مطالعه به مدت طولانی، دل‌آزار نیست و با گذشت زمان تازگی و طراوت خود را از دست نمی‌دهد» (Oliver Leaman, MIRACULOUSNESS OF THE QURAN, (p. 404).

۳) مطالعات قرآنی: اعجاز قرآن

حسین عبدالرئوف در مدخل مطالعات قرآنی، بحث مختصری هم درباره اعجاز قرآن دارد که بیان می‌کند: «عالمان مسلمان، اعم از نوگرا و سنتی، به یک اندازه بر این باورند که قرآن تقلیدناپذیر است؛ همچنین وی بحث زبان‌شناختی و زیبایی‌شناسی خاص قرآن، بیان ارزش‌های اخلاقی نسل‌های گذشته، حال و آینده، غیب‌گویی درباره حقایق تاریخی، اعجاز علمی و اعجاز تقنینی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را به عنوان برخی از وجوه اعجاز قرآن ذکر می‌کند» (Hussein Abdul-Raof, QURANIC STUDIES, pp. 522-525, Inimitability of the Quran, p. 523).

۴) زبان و قرآن

خانم فتانی در آغاز مقاله تصریح می‌کند: «قرآن قدیمی‌ترین کتاب در زبان عربی است و حتی امروز نیز آن را مرجع نهایی در فصاحت، ساخت‌شناسی واژگان، صرف و نحو و بلاغت زبان عربی می‌دانند... قرآن معجزه الهی در قالب زبان و عین کلام خداست؛ هیچ انسانی توان رقابت و یا پیشی جستن از آن را ندارد، نتیجه منطقی چنین دیدگاهی، باورمند شدن است به اینکه قرآن هم از نظر شکل و هم از نظر محتوا معجزه و تقلیدناپذیر است» (Afnan H. Fatani, LANGUAGE AND (THE QURAN, p. 356).

وی پس از توضیح اعجاز قرآن به لحاظ شکل و محتوا، بیان می‌کند: «توجه به این نکته مهم است که مکيان هرگز برتری قرآن را به لحاظ زبان‌شناختی مورد تردید قرار ندادند، ... یعنی برتری و زیبایی قرآن به گونه‌ای بود که حتی بدترین مخالفان پیامبر ﷺ نیز آن را فراتر از حد انسان می‌دیدند» (ibid, pp. 358-359).

ب: نقد و بررسی

پیشینه بحث اعجاز در سده‌های نخست

یکی از نکات اولیه و مهم در هر بحثی، بیان سابقه وجودی و پیشینه آن مطلب است. متأسفانه در هیچ یک از مدخل‌های مربوط به اعجاز این دانشنامه، به این مهم آن‌چنان که باید پرداخته نشده است. فقط در مدخل «اعجاز قرآن» نوشته «ویلد» اشاره‌ای مختصر به آیات تحدی شده که آن هم خالی از اشکال نیست:

اولاً) در بحث تحدی قرآن، ایشان بدون ارایه هیچ گونه سندی مدعی تحدی به آوردن یک آیه مثل قرآن شده است.

ثانیاً) در باب پیشینه بحث اعجاز، وی فقط به بیان سابقه مکتوب بحث پرداخته و متذکر تألیف رساله‌هایی در باب اعجاز در قرن سوم هجری (نهم میلادی) شده است و اشاره‌ای به سابقه وجودی و پیشینه اصل طرح این بحث در سده‌های اول و دوم ننموده است. گرچه یادآوری بحث تحدی قرآن و آیات تحدی که سرمنشا بحث اعجاز است، به صورت بسیار کلی و گذرا مطرح شده است.

ثالثاً) در بحث اعجاز و اعتقاد به اعجاز کتب آسمانی، وی به مقایسه اعجاز قرآن نزد مسلمانان با تورات و انجیل نزد یهود و مسیحیان می‌پردازد.

الف. تحدی قرآن

در بحث تحدی، قرآن به کل قرآن، ده سوره و یک سوره مثل قرآن تحدی نموده است و تحدی به یک آیه وجود ندارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۹/ ۴۲ به بعد).

سیر آیات تحدی

۱. «أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور/ ۳۳-۳۴)؛ «آنها می‌گویند، قرآن را به خدا افترا بسته، ولی آنها ایمان ندارند؛ اگر راست می‌گویند. سخن همانند آن بیاورند».

۲. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود/ ۱۳)؛ «بلکه آنها می‌گویند این (قرآن) را به دروغ به خدا نسبت می‌دهند؛ بگو اگر راست می‌گویید شما هم ده سوره همانند این، سوره‌های دروغین بیاورید و تمام کسانی را که می‌توانید غیر از خدا (برای این کار) دعوت کنید».

۳. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس/ ۳۸)؛ «آنها می‌گویند: او قرآن را دروغ به خدا نسبت داده؛ بگو اگر راست می‌گویید یک سوره همانند آن بیاورید و هر کس را می‌توانید غیر از خدا (به باری) بطلبید».

این سیر تحدی قرآن در مکه و پیش از هجرت به مدینه، نسبت به مشرکان، به ترتیب آیات یاد شده بود، یعنی به ترتیب به مثل قرآن، به مقداری که تا آن موقع نازل شده بود و سپس به ده سوره و بعد به یک سوره، تحدی شد؛ زیرا نخستین آیه تحدی، در سوره طور (آیه ۳۴) هست که بیان می‌کند: مشرکان قرآن را سخنی انسانی و از ناحیه پیامبر ﷺ می‌دانند که او به دروغ، به خدا نسبت می‌دهد، خداوند در پاسخ می‌فرماید: اگر می‌پندارید که این قرآن سخن یک انسان است، شما هم به مانند آن را بیاورید.

در مرحله دوم، تحدی به ده سوره مربوط می‌شود که در سوره هود (آیه ۱۳) آمده است و بیان می‌کند که اگر در قرآن تردید دارید، ده سوره مانند آن را بیاورید.

در مرحله سوم تحدی به یک سوره شده که در سوره یونس (آیه ۳۸) مبین آن می‌باشد و می‌فرماید: یک سوره همانند آن بیاورید.

۴. «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره/ ۲۳-۲۴)؛ «اگر درباره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کردیم، شک و تردید دارید [دست کم] یک سوره مانند آن بیاورید و گواهان خود را، غیر از خدا، بر این کار دعوت کنید؛ اگر راست می‌گویید. اگر این کار را نکردید که هرگز نخواهید کرد، بترسید از آتشی که هیزمش بدن‌های مردم (گنجه‌کار) و سنگهایی است که برای کافران مهیا شده است».

۵. «قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِجْرُ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (اسراء/ ۸۸)؛ «بگو! اگر انسان‌ها و جنیان گرد هم آیند که مانند این قرآن را بیاورند، مثل آن را نخواهند آورد، هر چند برخی پشتیبان برخی دیگر باشند».

در این دو آیه اخیر نیز که مدنی هستند، سخنی و نشانه‌ای از تحدی به یک آیه وجود ندارد. متأسفانه مولف مقاله مستند ادعایش را بیان نکرده لذا شاید بتوان حدس زد که عبارت «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ» در آیه ۳۴ سوره «طور» باعث این برداشت وی شده باشد. اما باید گفت هر کلامی را حدیث نمی‌نامند بلکه حدیث آن کلامی است که مشتمل بر هدف و غرضی مهم باشد، غرضی که به عنوان حدیث سینه به سینه بگردد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۰/ ۱۶۷).

ب. پیشینه بحث اعجاز

در باب پیشینه بحث اعجاز اگر منظور وی فقط اشاره به آثار مکتوب موجود باشد، سخنی درست است، اما اگر منظور پیشینه و سابقه وجودی بحث اعجاز باشد، درست نبوده و ادعایی خلاف واقع محسوب خواهد شد.

واقعیت این است که طرح هر نظریه علمی، زمینه تاریخی خاص خود را می‌طلبد. نظریه‌های علمی در بستر تاریخی خود و در تعامل با فضای اجتماعی، فرهنگی و علمی هر منطقه جغرافیایی و ناظر به دیگر نظریه‌های رقیب و یا در واکنش به نظریه‌های رقیب؛ و گاهی برای رفع عیوب و اشکال‌های نظریه‌های سابق شکل می‌گیرند و تطور می‌یابند (کریمی‌نیا، ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست، ۱۳۹۲: ۱۴۴-۱۱۳). به عبارت دیگر، تکامل و تبلور هر نظریه نیازمند دوره زمانی خاص خود است و این فرایند بسته به شرایط فوق، متفاوت خواهد بود. لذا زمان بیان یک نظریه ممکن است متأخر از زمان شکل‌گیری و پیشینه وجودی‌اش باشد.

عوامل مختلفی می‌توانند به عنوان خاستگاه تاریخی برای پیدایش و نظریه‌پردازی در باب اعجاز قرآن در سده‌های نخست بازشناسی شوند. در حقیقت، سرچشمه اندیشه اعجاز قرآن را می‌توان در خود آیات قرآن یافت. چرا که قرآن در آیات متعددی مخالفان را به مبارزه طلبید که همانند یک سوره یا ده سوره یا مثل قرآن را بیاورند. پس از آیات قرآن، بحث اعجاز در کلمات پیامبر اکرم ﷺ و معصومان ﷺ بدان اشاره شد، سپس در قرون بعدی در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآن مطرح گشت و نهایتاً کتاب‌های مستقلی در این زمینه نگاشته شد. در هر عصری که اعجاز قرآن مطرح شده، برخی از ابعاد و وجوه اعجاز قرآن مورد توجه قرار گرفته است (رضایی اصفهانی، علوم قرآن (۲) اعجاز قرآن، ۱۳۹۲: ۴۱). در نتیجه در این باب می‌توان گفت:

اولاً) از همان قرن اول هجری، یعنی همزمان با نزول آیات وحی و ژرف‌اندیشی یاران پیامبر ﷺ به آیات قرآنی و موضع‌گیری کافران نسبت به قرآن، زمزمه‌هایی پیرامون اعجاز قرآن مطرح بوده و لذا می‌بینیم که در خود قرآن نیز ضمن آیاتی موسوم به «آیات تحدی» به این موضوع تصریح شده است.

علاوه بر این، در کلام انمه معصومین به ویژه حضرت علی ﷺ نشانه‌های تلویحی از اعجاز قابل مشاهده و استنباط است. چنان‌که علی ﷺ می‌فرماید: «... ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ».

از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم، بدانید که در قرآن علم آینده، و حدیث روزگاران گذشته است، شفادهنده دردهای شما، و سامان‌دهنده امور فردی و اجتماعی شما است (شریف‌الرضی، نهج البلاغه / ترجمه دشتی، خطبه ۱۵۸؛ برای اطلاع بیشتر ر. ک. مؤدب، اعجازالقرآن در نظر اهل بیت عصمت ﷺ و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ۱۳۷۹).

ثانیاً) از دیگر عوامل مهمی که بذره‌های اولیه نظریه اعجاز قرآنی را در آثار عالمان اسلامی نخستین می‌نمایاند، مباحثات و مناظرات کلامی مسیحیان و مسلمانان در باب نشانه‌های نبوت حضرت محمد ﷺ و کتاب‌هایی است که به قصد دفاع از اسلام و نبوت پیامبر اکرم ﷺ در برابر این جدل‌ها و شبهات نوشته شده‌اند. حتی در کهن‌ترین نمونه‌های این مکتوبات، موضوع ارائه معجزه از جانب پیامبر ﷺ به عنوان شاهی بر صدق نبوت مطرح شده است. به عنوان مثال تیموتائوس اول (Timothy I) در گفتگوی خود با خلیفه عباسی المهدی بالله (حکومت: ۱۵۸-۱۶۹ ق) به وی می‌گوید: «تمامی کلمات خداوند در تورات، کتب انبیاء، انجیل و نوشته‌های رسولان، به واسطه معجزات و نشانه‌ها تأیید شده‌اند. اما هیچ معجزه و یا نشانه‌ای مؤید کلمات کتاب مقدس شما نیست» (Richard C. Martin, Inimitability of the Quran, in EQ, pp. 526-536; کریمی نیا، همان، به نقل از: Griffith, 1999, 1, p. 392). ملاحظه می‌شود که بحث وجود اعجاز و معجزه برای صدق کلام پیامبر، در مباحث جدلی آن زمان مطرح بوده است.

ثالثاً) تلاش‌های ادبی و کلامی معتزله بصره و بغداد و نقد و بررسی آرای آنان از سوی دیگر گروه‌ها و گرایش‌های مذهبی نیز خود از دیگر عوامل رشد و تکامل بحث اعجاز است. به عنوان نمونه ابو عبیده معمر بن مثنی با تألیف «مجاز القرآن»، یحیی بن زیاد فراء با کتاب «معانی القرآن» در قرن دوم هجری، گام‌های اولیه را در باب اعجاز قرآن کریم برداشته‌اند؛ این دو با ذکر مسایل بلاغی قرآن کریم زمینه را برای طرح و گسترش اندیشه اعجاز ادبی فراهم نمودند. در واقع در نیمه قرن دوم هجری و هم‌زمان با ظهور فرقه معتزله، سخن درباره اعجاز قرآن به شکل علمی و منظم آغاز گردید (رضوان باغبانی و دیگران، اعجاز ادبی قرآن کریم و سیر تطور آن (بررسی موردی تألیفات ادبی قرآن پژوهان در قرن دوم و سوم هجری)، ۱۳۹۱ش: به نقل از: الحمصی، نعیم، فکرة اعجاز القرآن منذ البعثة النبویه حتی عصرنا الحاضر).

بنابراین، پیشینه وجودی بحث اعجاز به آغاز اسلام و نزول قرآن بازمی‌گردد. لذا به اعتقاد برخی از محققین معاصر برخی از وجوه اعجاز مانند اعجاز ادبی (بلاغی و بیانی)، اعجاز در اخبار غیبی، اعجاز در استقامت بیان (عدم اختلاف)، اعجاز در معارف عالی از فردی اُمّی و اعجاز در شیرینی و جذب خاص قرآن، از جمله وجوهی هستند که استنباط آنها از قرآن و کلمات پیامبر ﷺ و معصومان ﷺ ممکن است (رضایی اصفهانی، همان، ۴۳-۵).

ج. قیاس اعجاز قرآن با عهدین

در این دانشنامه، اعتقاد مسلمانان به اعجاز قرآن مشابه اعتقاد اهل کتاب به اعجاز کتاب مقدس، بدون ذکر جزئیات و یا استناد خاص و مشخصی بیان شده است. همچنین «ویلد» بدون هیچ استدلال مشخصی اعتبار و اصالت قرآن را بدلیل تجربه‌پذیری قرآن در جامعه معرفی می‌کند. چنین ادعایی به ویژه در مدخل اعجاز قرآن جای تعجب دارد؛ زیرا اعجاز قرآن در کنار نقل متواتر و عدم تحریف قرآن از دلایل اصلی اصالت و اعتبار آن است. در واقع در این مدخل اگر قرار است بحثی راجع به اصالت و اعتبار قرآن شود، باید ذکر شود که همین بحث اعجاز یکی از ادله اصلی اعتبار قرآن است نه اینکه بحث‌هایی نظیر تجربه‌پذیری مطرح شود که از سوی هیچک از محققان اسلامی به عنوان دلیل اصالت و اعتبار قرآن مطرح نشده است.

لازمه معجزه بودن یک متن یا کتاب، در وهله نخست حفظ اصالت و اعتبار آن است و در این موضوع هیچ کتابی از جمله کتاب مقدس قابل مقایسه با قرآن نیست. زیرا قرآن کریم تعداد سوره‌ها و آیاتش مشخص و معین است و نیز معلوم است که طی ۲۳ سال مشخص و محدود آنهم با یک زبان و لفظ یعنی زبان عربی و فقط بر یک شخص یعنی پیامبر اکرم ﷺ، نازل شده و در متن آیات آن بر حفظ و ماندگاری آن از سوی خداوند تضمین داده شده است؛ چنان‌که عصمت و نزاهت آن از هرگونه دخل و تصرف مورد اجماع همه مسلمانان است. تمام این ویژگی‌ها نشان‌دهنده اتقان، اصالت، یکپارچگی و سامان‌مندی قرآن در جایگاه متن مقدس مسلمانان است و با این ویژگی‌هاست که به همانند ناپذیری‌اش تحدی نموده و تا به امروز این تحدی صادق و بدون جواب مانده است. این حقیقتی است که نه تنها مورد اتفاق مسلمانان بلکه مورد اذعان دانشمندان منصف غیرمسلمان نیز هست. توماس میشل در این‌باره چنین آورده است: هرگاه یک مسلمان به کتاب مقدس نظر افکند، مشاهده می‌کند که این کتاب با قرآن مجید کاملاً تفاوت دارد. قرآن یک کتاب واحد است که آن را یک شخص [= پیامبر اسلام]، فقط به یک زبان ظرف ۲۳ سال به مردم گزارش داده است. در صورتی که کتاب مقدس مجموعه ۷۳ (۶۶) کتاب است که به زبان‌های گوناگون و در طول ۱۵۰۰ سال تألیف و گردآوری شده است و شمار بزرگی از مؤلفان «الهام یافته» که تاریخ نام بسیاری از ایشان را فراموش کرده، برای تهیه آن به عملیات پیچیده‌ای پرداخته‌اند (میشل، کلام مسیحی، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۴). موریس بوکای نیز بیان می‌کند: یک اصالت غیر قابل بحث به متن قرآن مقام جداگانه‌ای بین کتب وحی می‌دهد. مقامی که در آن نه «عهد عتیق» سهمی دارد و نه «عهد جدید» (بوکای، تورات، انجیل، قرآن و علم، ۱۳۶۵: ۱۷۳).

این در حالی است که درباره میزان اعتبار کتاب مقدس در میان خود اهل کتاب اختلاف است و به طور کلی سه نظریه عمده وجود دارد:

یک. اعتبار کامل کتاب مقدس، به این معنا که محتوا و الفاظ کتاب مقدس آسمانی است.
 دو. اعتبار نسبی کتاب مقدس، به این معنا که فقط محتوای کتاب مقدس و نه الفاظ آن آسمانی است.
 سه. بی اعتباری کتاب مقدس، به این معنا که کتاب مقدس زمینی و فاقد هرگونه اعتبار است.
 این دیدگاه که کاملاً در برابر دو دیدگاه نخست قرار گرفته پس از دوران رنسانس و از سده نوزدهم در پی رواج موج انتقادهای ضد کلیسا و کتاب مقدس مورد توجه شماری از صاحب نظران مسیحی و غیر مسیحی قرار گرفت؛ به گونه‌ای که برخی از متألهان مسیحی پس از برخورد با تحقیقاتی که درباره اصالت کتاب مقدس و راهیافت مواردی از تناقض و مخالفت با دستاوردهای علمی انجام گرفت برای همیشه با مسیحیت وداع کردند.

علاوه بر این به اذعان مسیحیان، کتاب مقدس طی زمانی بس طولانی یعنی ۱۵۰۰ سال بر شماری بس فراوان از اشخاص که نام و هویت آنان مجهول است با زبان‌های گوناگون الهام شده است. این امر خود از متنی غیرمنسجم و چند پارچه حکایت می‌کند. از سویی دیگر عدم انتساب لفظ کتاب مقدس به خداوند چنان که متکلمان مسیحی خود اذعان کرده‌اند، عملاً راه را برای انکار صفت عصمت لفظی کتاب مقدس و در نتیجه پذیرش احتمال کاستی و فزونی در آن هموار می‌سازد. بر فرض آنکه بر عدم تحریف متن کتاب مقدس پافشاری شود، به سبب آن که متن کتاب مقدس محصول ذهن انسانی است (هرچند از الهام بهره دارد) هیچ‌گاه به سان متنی که منعکس کننده لفظ و عین کلام خداوند است، با قاطعیت و اطمینان نمی‌توان برای استخراج گزاره‌های دینی به الفاظ و عبارتهای آن استناد کرد؛ از این جهت میان قرآن و کتاب مقدس تفاوت فاحشی برقرار است (ر.ک. نصیری، بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس، ۱۳۸۶: ۵۹-۸۲) و قیاس آن دو از این بُعد و زاویه قیاسی مع الفارق و جفای بر قرآن کریم است.

به اذعان بوکای، حفظ اصالت متن قرآن از دو طریق کتابت و حفظ در حافظه به صورت توأم، موضوعی بسیار حائز اهمیت است. به باور وی انجیل‌ها را می‌توان فقط در حد و اعتبار مجموعه‌های احادیث اسلامی به شمار آورد نه قرآن (بوکای، همان، ۱۷۲ و ۱۷۸).

۳۸

د. اعجاز قرآن در مجادلات کهن اسلامی - مسیحی

یکی از نکاتی که در این‌گونه مباحث نباید مغفول واقع شود مسئله و موضوع پس‌زمینه و دوران وجودی موضوع مورد مناقشه قبل از تکاملش به صورت نظریه‌ای مورد مناقشه در محافل علمی -

جدلی و یا تدوین آن به صورت مکتوب است. به اعتقاد برخی از محققین، انتقال دانش و علوم در صدر اسلام به دو صورت شفاهی و مکتوب به طور موازی بوده است. بنابر این، تأخیر در ظهور مکتوب یک دانش نمی‌تواند دلیل بر تأخیر اصل موجودیت آن دانش تلقی شود؛ زیرا احتمال وجود آن به صورت شفاهی در میان مسلمانان وجود دارد (برای مطالعه بیشتر ر. ک. شولر، گریگور، ۱۳۹۳ش، شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی). حال با عنایت به این دیدگاه و نیز توجه به واقعیت که هر نظریه‌ای قبل از طرح در مجادلات و مناقشات و قبل از تدوین مکتوب مسبوق به یک سابقه وجودی است، می‌توان اطمینان نمود که بحث اعجاز قرآن نیز مشمول این قاعده بوده و مستثنی از آن نیست.

درباره سابقه و پیشینه بحث اعجاز قرآن در مجادلات و مناقشات مسیحی - اسلامی در صدر اسلام تحقیقاتی صورت گرفته که به طور مختصر به آن اشاره می‌شود.

آغاز مجادلات کلامی یهودیان، مسیحیان و مسلمانان را می‌توان در قرن نخست یافت. این امر به تدریج طی قرون دوم و سوم هجری تحول و تکامل بیشتری یافت و در قرون بعدی با شکل‌ها و مسأله‌های جدید تطور یافت. در این قرون، فضایی جدلی را میان مسلمانان و اهل کتاب درباب حقانیت دین اسلام و اصالت دعوی پیامبر اسلام می‌بینیم.

یکی از مهم‌ترین مواضعی که بذره‌های اولیه نظریه اعجاز قرآنی را در آثار عالمان اسلامی نخستین می‌نمایاند، کتاب‌هایی است که به قصد دفاع از اسلام و نبوت پیامبر اکرم ﷺ در برابر جدل‌های کلامی یهودیان و مسیحیان نوشته شده‌اند. حتی در کهن‌ترین نمونه‌های این مکتوبات، موضوع ارائه معجزه از جانب پیامبر به عنوان شاهدی بر صدق نبوت مطرح شده است. فی‌المثل تیموتاوس اول (Timothy I) - در گفتگوی خود با خلیفه عباسی المهدی بالله (حکومت: ۱۵۸-۱۶۹ ق) به وی می‌گوید: «تمامی کلمات خداوند در تورات، کتب انبیاء، انجیل و نوشته‌های رسولان، به واسطه معجزات و نشانه‌ها تأیید شده‌اند. اما هیچ معجزه و یا نشانه‌ای مؤید کلمات کتاب مقدس شما نیست» (کریمی‌نیا، ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۴۴، به نقل از: Griffith, 1999, 1, p. 392).

از همین جاست که روی دیگر این سکه را باید در نگاشته‌های عالمان اسلامی تحت عنوان دلایل النبوة و تثبیت دلایل النبوة یا اثبات دلایل النبوة مشاهده کرد. ادبیات دلایل النبوة نیازمند تحقیق بسیار است. از نخستین قرون اسلامی، پاره‌ای از عالمان اقدام به تألیف کتاب‌هایی با عناوین دلایل النبوة، اعلام النبوة، امارات النبوة، اثبات النبوة، اثبات نبوة النبی، تثبیت نبوة النبی، و تثبیت دلایل النبوة، کرده‌اند.

در آثار دلائل النبوة دو امر مرتبط با اعجاز قرآن و رسالت پیامبر دیده می‌شود: نخست ردیه‌نویسی علیه برخی مدعیان نبوت (متنبیان مانند مسیلمة) و نیز مدعیان تقلید از قرآن مانند ابن مقفع؛ و دوم ردیه‌نویسی علیه منکران نبوت و فضیلت پیامبر اکرم ﷺ، خواه در میان مسیحیان یا افرادی چون زکریای رازی در میان مسلمانان. ظهور کتاب‌هایی مستقل تحت عنوان معجزات النبی و نظم القرآن در قرن سوم و بعدها اعجاز قرآن در قرون چهارم به بعد بخشی از همین فرایند علمی است.

در آثار بعدی چون مکاتبه عبدالله بن اسماعیل الهاشمی با عبدالمسیح کندی (نیمه‌ی نخست قرن سوم)، نوشته‌های عمار بصری (زنده در نیمه نخست قرن سوم ق)، ابوالحسن علی بن یحیی بن المنجم (م. ۲۷۵ ق) با تنودور ابوقرة (۱۳۳-۳۰۸ ق) و حنین بن اسحاق (حد. ۲۱۵-۱۹۴)، و نیز آثار قسطنطین لوقا (۲۶۰ ق) با عنوان برهان، نشانه‌هایی آشکار از پرداختن به موضوع اعجاز قرآن و جوانب آن می‌یابیم. گاه حتی برخی از نویسندگان این دست آثار، چون ابو عبدالله محمد بن زید (یا یزید) الواسطی (م. ۳۰۶ ق) که درصدد پاسخ دادن به متکلمان مسیحی در عصر خود بوده‌اند (Thomas, 2/145-6)، خود رساله‌ای مستقل در موضوع اعجاز با عنوان «اعجاز فی نظمه و تألیفه» تألیف کرده‌اند (همو، نقل از: ابن الندیم، ۴۱ و ۲۲۰).

به عبارت دیگر از همان قرن اول هجری، هم‌زمان با ژرف‌اندیشی یاران پیامبر ﷺ به آیات قرآنی و موضع‌گیری کافران نسبت به قرآن، زمزمه‌هایی پیرامون اعجاز قرآن مطرح بوده و در خود قرآن نیز ضمن آیات موسوم به «آیات تحدی» به این موضوع تصریح شده است. این مباحث، ضمن شعله‌ور نمودن بحث و جدل میان پیروان ادیان بزرگ آن زمان، زمینه‌های نظریه‌پردازی و نیز تدوین آثاری را درباره بحث اعجاز قرآن فراهم نمود.

در درون همین فرایند، ابو عبیده معمر بن مثنی با تألیف «مجاز القرآن»، یحیی بن زیاد فراء با کتاب «معانی القرآن» در قرن دوم هجری گام‌های اولیه را در باب اعجاز قرآن کریم برداشتند، این دو با ذکر مسایل بلاغی قرآن زمینه را برای طرح و گسترش اندیشه اعجاز ادبی فراهم نمودند. ۴۰
جاحظ برای نخستین بار در قرن سوم هجری به نظریه نظم قرآن اشاره نموده است. در نیمه قرن دوم هجری و هم‌زمان با ظهور فرقه معتزله، سخن درباره اعجاز قرآن به شکل علمی و منظم آغاز گردیده است (حمصی، فکرة اعجاز القرآن منذ البعثة النبویة حتی عصرنا الحاضر، ۱۴۰۰هـ/۱۹۸۰م: ۴۰).

۲- وجوه یا ابعاد اعجاز

راجع به ابعاد اعجاز، در مدخل «اعجاز قرآن» که محور اصلی بحث اعجاز در این دانشنامه است، فقط به بُعد بلاغت، اخبار غیبی و صرفه پرداخته شده و تلویحاً اشاره‌ای هم به بعد اعجاز در یکپارچگی حقوقی قرآن در دوران معاصر دارد.

گرچه در باب جنبه‌ها و ابعاد اعجاز قرآن در کل این دانشنامه، سوای از مقاله مذکور (اعجاز قرآن)، مقاله مختصر آقای عبدالرؤوف تحت عنوان «اعجاز قرآن» در مدخل مطالعات قرآنی، علاوه بر جنبه‌های فوق به ابعاد اخلاقی و علمی نیز فقط اشاره نموده است. همچنین در بحث زبان‌شناختی و زیبایی‌شناسی، مباحثی نظیر انسجام زبان‌شناختی، سبک خاص قرآن، فنون تصویرسازی و ویژگی‌های آوایی معناگرا از زیربخش‌های بُعد اعجاز ادبی و زبانی قرآن محسوب شده‌اند. در بُعد اعجاز تقنینی نیز عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی ذکر شده است.

لازم به ذکر است که جنبه اعجاز ادبی قرآن در مقاله «معجزه بودن قرآن» تألیف الیور لیمن، به گونه‌ای مفصل‌تر تبیین شده است که این مقاله در کل، دارای تحلیل‌های مثبتی بوده و موارد و مثال‌های انتخاب شده به خوبی برای عموم تطبیق و بیان شده‌اند. همچنین خانم افنان فتانی در مدخل «زبان و قرآن» که نسبت سایر مدخل‌های دایره‌المعارف مذکور هم مفصل‌تر و هم تخصصی‌تر است، ضمن تبیین تقابل دو دیدگاه علمای مسلمان و غربی در عرصه زبان قرآن و به تبع آن موضوع اعجاز قرآن، سعی در تثبیت دیدگاه اندیشمندان مسلمان و نقد آرای محققان غربی دارد.

بررسی

واقعیت مطلب در باب ابعاد و وجوه اعجاز قرآن این است که به رغم مسلّم بودن اصل اعجاز، درباره انواع و تعداد وجوه آن اقوال مختلفی میان اندیشمندان اسلامی وجود داشته و دارد. به تصریح اندیشمندان و قرآن‌پژوهان مسلمان، قرآن از ابعاد و زوایای مختلف معجزه است و اعجاز آن به فصاحت و بلاغت منحصر نمی‌شود. برخی از این ابعاد را خود قرآن به صراحت بیان کرده است و درباره آنها «تحدّی» کرده است و نسبت به برخی دیگر از وجوه اعجاز، در قرآن تحدّی خاص نیامده است. این موارد مشمول آیات تحدّی به صورت عام قرار می‌گیرند. اما هیچ‌کس نمی‌تواند مدّعی بررسی همه جانبه ابعاد اعجاز قرآن باشد چرا که مسلّمأ بسیاری از رموز و شگفتی‌های قرآن هنوز بر ما پوشیده مانده است، شاید بتوان گفت که برشمردن همه وجوه اعجاز قرآن و بازشناسی دقیق آنها خود اعجازی دیگر است.

با این وجود برخی از محققان تعداد این وجوه و ابعاد را تا دوره معاصر به بیش از هشتاد وجه استقرار نموده‌اند؛ اما همه این وجوه با یک دید کلی نگر می‌توانند به سه وجه اصلی اعجاز لفظی، اعجاز محتوایی و نقش اعجاز‌آمیز قرآن در ایجاد تحول در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... بازگردند (رضایی اصفهانی، فهرست ابعاد اعجاز - از آغاز تا قرن پانزدهم قمری -، ۱۳۹۰ش: ۹-۱۴).

نقدی که از این زاویه به این دانشنامه می‌تواند وارد باشد، شاید این باشد که وجوه اعجاز نه آن دسته‌بندی کلی‌اش بیان شده و نه به صورت جزئی از تمام ابعاد اعجاز سخن رانده شده است. اشکال دیگری که در این باره قابل ذکر است، عدم تبیین وجوه اعجاز قرآن در یک مقاله خاص و یا در درون مقاله اصلی اعجاز است؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد این وجوه در چند مقاله مختلف بیان شده‌اند. به عنوان مثال، مقاله «معجزه بودن قرآن» اثر الیور لیمن، در واقع تبیین اعجاز لفظی در بُعد ادبی و بلاغی آن است، در حالی که مسلماً معجزه بودن قرآن فقط در این وجه از اعجازش خلاصه نمی‌شود.

مستشرقان و اعجاز قرآن

ایشان متذکر هجمه مستشرقان قرون ۱۹ و ۲۰ به سبک و عقیده اعجاز و تقلیدناپذیری قرآن می‌شود و شبهاتی نظیر ابهام و آکندگی قرآن از اشتباهات را از نولدکه و شوالی و نیز خشک و ملال آور بودن متن قرآن را از نزبرو نقل می‌کند بدون اینکه اشاره‌ای به مخالفان این‌ها و یا نظر مستشرقان منصف نماید.

بررسی

اینکه قرآن به طور عام و معارف آن از جمله اعجازش به طور خاص، مورد هجمه مستشرقان قرار گرفته است مطلبی روشن و غیرقابل انکار است؛ اما بحث اینجاست که در مباحث علمی، طرح و نقل ایرادها و شبهات وارده به یک نظریه و یا باور، بدون دفاع از آن و یا نقل و اشاره به دفاعیات طرفداران آن نظریه و باور، دور از انصاف و شیوه علمی است.

۴۲

واقعیت این است که غرب پس از رنسانس یا دوره روشنگری شاهد تحولاتی نظیر پیدایش نهضت اصلاح دینی، انقلاب علمی و ... بود که نتیجه آن در بُعد دینی و مذهبی، ظهور جریان «نقادی کتاب مقدس» بود. اوج قدرت‌نمایی این جریان در سده‌های ۱۹ و ۲۰ واقع شد، در این دوره نه تنها قرآن بلکه کلیه مظاهر و باورهای دینی از جمله کتاب مقدس از ناحیه خود غربی‌ها

شاهد هجمه و حمله بوده و به زیر تیغ نقد و تردید رفت و به لحاظ اعتبار و اصالت دچار تزلزل شد. متعاقب این هجمه‌ها، برخی از متألهان غربی در پی دفاع از اعتبار کتاب مقدس برآمدند (حقانی فضل، سلیمانی اردستانی، بررسی استدلال‌های مدافعان خطاناپذیری کتاب مقدس، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۵۹).

مستشرقان و قرآن‌پژوهان غربی این دوره نیز متأثر از این فضای انتقادی، قرآن و معارف قرآنی را بیش از دیگر دوره‌ها مورد هجمه، نقد و افترا قرار دادند. در مقابل نه تنها اندیشمندان مسلمان، بلکه تعدادی از اندیشمندان منصف غربی به دفاع از اعتبار و حقانیت قرآن پرداختند. در کنار صدها آثار غربی در تبیین و دفاع از معارف قرآنی، آثاری در راستای بی‌بدیل و یگانه بودن معارف اعجازگونه قرآن و معارف از سوی محققان غیر اسلامی منتشر شد. در قرن ۱۹م، یعنی در سال ۱۸۶۹م جان دیون‌پورت با کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» به دفاع از شخصیت پیامبر اکرم ﷺ و قرآن پرداخت و به برتری قرآن به ویژه در بعد فقهی و نظام سیاسی، بر انجیل تأکید نمود (دیون‌پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ۱۳۳۴: ۹۸-۱۰۰). در قرن ۲۰م نیز دکتر موریس بوکای با نگارش کتاب «عهدین، قرآن و علم» به همخوانی و سازگاری اعجازگونه قرآن با علم روز و حقایق تاریخی اذعان نمود و برتری قرآن بر عهدین را از این نظر تأیید اثبات نمود (ر.ک. بوکای، همان، بویژه صفحه ۱۵۲ به بعد).

علاوه بر این، در همین سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی که مولف مقاله از هجمه‌های مستشرقان به اعجاز قرآن یاد می‌کند، بسیاری از همین مستشرقان در دفاع از قرآن سخن رانده‌اند. به عنوان نمونه فیلیپ حتی از اوج بلاغت و هدفمندی قصص قرآن، توماس کارلایل از غنای معرفتی و نورانیت قرآن، بروکلیمان از لحن موسیقایی و شاعرانه آیات قرآن، هانری کربن از بطون و معارف همیشه جاری قرآن و کینت گریک از جاذبه و تاثیر عمیق آیات قرآن بر انسان غربی سخن به میان می‌آورند (ر.ک. زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۱۶).

همچنین، در خود همین دانشنامه، در مدخل «معجزه بودن قرآن»، آقای لیمن به صراحت بیان می‌کند «قرآن از هیچ چیز و هیچ‌کس تقلید نمی‌کند و قابل تقلید نیز نیست. سبک قرآن، حتی بعد از مطالعه به مدت طولانی، دل‌آزار نیست و با گذشت زمان تازگی و طراوت خود را از دست نمی‌دهد» (Oliver Leaman, MIRACULOUSNESS OF THE QURAN, p. 404). خانم فتانی نیز در مدخل «زبان و قرآن»، به طور اجمالی به نقد آرای برخی از مستشرقان، از جمله «نولدکه»، پرداخته و بر اثبات اعجاز قرآن تاکید دارد (Afnan H. Fatani, LANGUAGE AND THE QURAN, (356-372).

سخن دکتر «واگلیری»، استاد دانشگاه ناپل در این باره رساتر از سخنان دیگر هم‌کیشان به نظر می‌رسد، وی می‌گوید: کتاب آسمانی اسلام، نمونه‌ای از اعجاز است. قرآن کتابی است که نمی‌توان از آن تقلید کرد... چطور ممکن است که این کتاب اعجاز‌آمیز کار محمد [ص] باشد، در صورتی که او یک نفر عرب درس ناخوانده بوده است. ما در این کتاب مخزن‌ها و ذخایری از دانش می‌بینیم که مافوق استعداد و ظرفیت باهوش‌ترین اشخاص و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین رجال سیاست است (مؤدب، اعجاز قرآن، ۱۳۷۹: همان، ص ۲۰۴؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: اعظم شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۵۱).

به نظر می‌رسد در غرب پس از رنسانس، یک جریان انتقادی بر علیه دین و مظاهر دینی البته عمدتاً بر ضد دین معرفی شده از سوی کلیسا، پدیدار شد که اوج بروز مکتوب آن در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی است؛ در سده بیستم شاهد افرادی مانند برتراند راسل هستیم که مدعی مضر و وهم بودن دین و تضاد دین با علم می‌شود (ر.ک. راسل، ۱۳۴۹ش، چرا مسیحی نیستیم؛ همو، ۱۹۹۳م، نبرد دین با علم). دین مبین اسلام و قرآن کریم نیز از این حمله‌ها و انتقادات در امان نمی‌ماند. اما با دقت و تعمق در خواهیم یافت که این دوره اوج مناقشات و نظریه‌پردازی مخالفان دین و مذهب و مدافعان آن بوده است؛ یعنی به تناسب فراوانی حمله و حمله به دین، دفاع از آن نیز شدت و قوت گرفته است. چنانکه این مطلب درباره دفاع از قرآن و معارفش با توضیحات فوق‌الذکر کاملاً مشهود است.

بحث اعجاز در سده بیستم

ادعای دیگری که در این مقالات شده این است که در قرن بیستم مباحث اعجاز کاهش یافته و منحصر به بُعد ادبی و بیانی شده و نیز از اهمیت علمی مفهوم اعجاز کاسته شده است؛ زیرا لازمه درک مفهوم اعجاز، تسلط به زبان عربی کلاسیک و نیز درک زیباشناسی بدیع عربی است.

بررسی

تداوم بحث و تألیف پیرامون موضوع اعجاز مانند هر موضوع دیگری دارای فراز و نشیب‌هایی بوده و معمولاً در هر دوره یا سده‌ای جنبه یا جنبه‌های خاصی مورد توجه و بحث بوده و خواهد بود؛ اما اینکه مولف مدعی کاهش و فروکش نمودن این روند در سده بیستم می‌شود قابل نقد است. زیرا به اذعان محققان اسلامی این رکود توجه به بحث اعجاز در سده ۱۳ قمری که برابر با سده ۱۹ میلادی است، مشهود و نمایان است که بررسی علت و دلیل این رکود جای بحث دارد و خارج

از عهده این تحقیق است (رضایی اصفهانی، علوم قرآن (۲) اعجاز قرآن، ۱۳۹۲: ۷۶). برعکس، در سده بیستم میلادی، شاهد رونق بحث اعجاز در میان اندیشمندان اسلامی، البته با یک تغییر و چرخش دید هستیم. در واقع، در سده بیستم میلادی از یک سوی شاهد تداوم نگاه سنتی به بحث اعجاز و ظهور آثاری در اعجاز ادبی، بلاغی و نظم و اسلوب قرآن که از قدیم مورد توجه بود و حتی پیدایش رویکردی جدید به همین ابعاد و جنبه‌ها هستیم که توأم با نوعی نگاه زیباشناختی و هنری به قرآن است (بلاطه، ۱۳۸۷ش، درآمدی بر سیر تطور اندیشه اعجاز قرآن، صص ۲-۱۰)؛ از سوی دیگر ناظر رونق توجه اندیشمندان به ابعاد و جنبه‌های دیگری از اعجاز قرآن، یعنی اعجاز علمی، اجتماعی، روان‌شناختی و ... قرآن، و موجب تدوین و ظهور آثاری متعددی در این موضوع می‌باشیم (رضایی اصفهانی، علوم قرآن (۲)، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۷۷).

در سده اخیر نه تنها توجه به بحث اعجاز کاهش نیافته بلکه رونق و فزونی نیز یافته است؛ طبق برخی پژوهش‌ها در این دوره معاصر، تنها در میان اندیشمندان مسلمان، حدود ۳۰۰ جلد کتاب در موضوع اعجاز قرآن تألیف شده است (ر.ک. رضایی کرمانی، کتابشناسی اعجاز قرآن، ۱۳۸۰: بخش دوم کتاب) و بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب فقط در موضوع اعجاز عددی و ریاضی قرآن به نگارش درآمده است (نوروزی، کتابشناسی اعجاز عددی و ریاضی قرآن، ۱۳۹۰: ۸۳-۹۶).

نتیجه

مقالات این دانشنامه که بخش عمده از آنها تألیف خود سروپرستار، یعنی الیور لیمن است در کنار مزایایی همچون ساده و خوش فهم بودن، مختصر و فاقد حاشیه‌نگاری زاید بودن، رعایت انصاف در ارایه برخی مطالب، از جمله توجه به مذهب شیعه و شخصیت‌های آن نسبت به دیگر آثار مشابه مستشرقان، دارای نقاط منفی و نواقصی نیز مثل: عدم یکنواختی مقالات به لحاظ علمی، عدم ارجاع‌دهی و مستندسازی ادعاها و نقل قول‌ها، سامان‌دهی نامناسب موضوعات مرتبط با یک عنوان و پراکنده نمودن آن در چند مقاله و ... نیز است که بررسی و نقد آن را ضروری می‌نماید.

همان نکات کلی فوق در مورد بحث اعجاز این دانشنامه نیز مطرح است. زیرا بحث اعجاز، گرچه در این دانشنامه از زوایای مختلفی و با توجه باور چند مولف، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، طرح شده اما به صورت پراکنده و متفرق و نه منسجم و یکجا بیان شده است. علاوه بر این در مقالات مربوط به اعجاز قرآن ادعاهایی شده که قابل نقد می‌باشند. در بحث از سابقه و پیشینه وجودی بحث اعجاز، فقط به سابقه وجودی مکتوب توجه شده و همان هم به

عنوان ابتدای پیدایش بحث مذکور بیان شده است. در واقع به سابقه وجودی شفاهی بحث و یا مهم تر از آن پیشینه مکتوب آن که در منابع ذکر شده ولی آثار مکتوب مفقود شده و به ما نرسیده اصلاً توجهی نشده است.

در بحث تحدی قرآن، بیان شد که ایشان بدون ارایه هیچ‌گونه سندی مدعی تحدی به آوردن یک آیه مثل قرآن شده است و این جای نقد و بررسی دارد.

همچنین در بحث اعجاز و اعتقاد به اعجاز کتب آسمانی، وی به مقایسه اعجاز قرآن نزد مسلمانان با تورات و انجیل نزد یهود و مسیحیان پرداخته که این قیاس مع الفارق است و قرآن در بُعد تحدی و اعجازش که در کنار تواتر یقینی آن، حاکی از اصالت و اعتبار بی‌بدیلش است، یگانه و بی‌همتا است و خواهد بود.

در موضوع مواجهه مستشرقان با اعجاز قرآن و نیز بحث اعجاز قرآن در سده بیستم، مولف مقاله با دید خاصی به موضوع پرداخته که ناقص و خلاف رویه علمی - پژوهشی است؛ زیرا درباره دیدگاه مستشرقان فقط به هجمه‌ها و شبهاتشان اشاره کرده و یادی از دفاعیات برخی مستشرقان منصف در کنار آثار فراوان اندیشمندان مسلمان ننموده است. راجع به وضعیت بحث اعجاز در سده بیستم نیز وی مدعی کاهش و رکود مباحث اعجاز شده است که به نظر می‌رسد وی خلط کرده باشد با سده نوزدهم که شاهد رکود نسبی تدوین آثار در بحث اعجاز هستیم. دیگر این که وی از تغییر نگاه و رویکرد اندیشمندان در بحث اعجاز به ابعاد و جنبه‌های جدید مانند اعجاز علمی، اجتماعی و روان‌شناختی در سده اخیر غفلت نموده است.

منابع

۱. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه، ترجمه قرآن کریم، موسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه و تصحیح محمد دشتی، تهران: پارسیان، ۱۳۷۹ ش.
۳. اعظم شاهد، رئیس، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۶.
۴. بلاطه، عیسی، درآمدی بر سیر تطور اندیشه اعجاز قرآن، ترجمه: عباسی، مهرداد، آینه پژوهش، آذر و دی ۱۳۸۷ - شماره ۱۱۳، ۲-۱۰.
۵. بوکای، موریس، تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه: دبیر، ذبیح الله، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم ۱۳۶۵.
۶. حقانی فضل، محمد؛ سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، بررسی استدلال‌های مدافعان خطاناپذیری کتاب مقدس، فلسفه دین، سال ۷، شماره ۶، ۱۳۸۹، ۱۳۵-۱۵۹.
۷. حمصی، نعیم، فکرة اعجاز القرآن منذ البعثة النبویه حتى عصرنا الحاضر، ۱۴۰۰ هـ/۱۹۸۰ م، بیروت، مؤسسه الرساله، ط ۲، ص ۴۰.
۸. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه: سعیدی، غلامرضا، تهران: مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۳۴ ش، ۹۸-۱۰۰.
۹. راسل، برتراند، چرا مسیحی نیستم؟، ترجمه: س. الف. س. طاهری، تهران سازمان چاپ آسمان، ۱۳۴۹ ش.
۱۰. راسل، برتراند، نبرد دین با علم، ترجمه: علی اصغر مهاجر و احمد ایرانی، لس آنجلس، ۱۹۹۳ م.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن، دو فصلنامه تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۸۸، صص ۲۹-۷۲.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، علوم قرآن ۲ اعجاز قرآن، انتشارات جامعة المصطفی العالمیة، قم، ویرایش دوم، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، فهرست ابعاد اعجاز (از آغاز تا قرن پانزدهم قمری)، دو فصلنامه قرآن و علم، سال ۵، شماره ۹، سال ۱۳۹۰، ۹-۱۴.
۱۴. رضایی کرمانی، محمد علی، کتابشناسی اعجاز قرآن، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

۱۵. رضوان باغبانی و دیگران، اعجاز ادبی قرآن کریم و سیر تطور آن (بررسی موردی تألیفات ادبی قرآن پژوهان در قرن دوم و سوم هجری)، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال سوم، دوره جدید، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۱.
۱۶. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۷. شولر، گریگور، شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی، ترجمه: نیل‌ساز، نصرت، تهران، انتشارات حکمت ۱۳۹۳.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰.
۱۹. کریمی‌نیا، مرتضی، ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و ششم، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۴۴-۱۱۳.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴ش، ج ۹.
۲۱. مؤدب، رضا، اعجاز قرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، چاپ اول، قم انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۹.
۲۲. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه: توفیقی، حسین، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ سوم ۱۳۸۷.
۲۳. نصیری، علی، بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس، دوفصلنامه قیاسات، دوره ۱۲، شماره ۴۳، سال ۱۳۸۶، ۵۹-۸۶.
۲۴. نوروزی، مجتبی، کتابشناسی اعجاز عددی و ریاضی قرآن، آینه پژوهش، شماره ۱۲۷، سال بیست و دوم، شماره یکم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، صص ۸۳-۹۶.
25. Abdul-Raof, Hussein, 2006, The Quran: an Encyclopedia, QURANIC STUDIES, 522-525, Inimitability of the Quran, 523.
26. Fatani, Afnan H., 2006, The Quran: an Encyclopedia, LANGUAGE AND THE QURAN, 356-372.
27. Leaman, Oliver, 2006, The Quran: an Encyclopedia, MIRACULOUSNESS OF THE QURAN, 403-406.
28. Leaman, Oliver, The Quran: an Encyclopedia, Routledge, 2006.
29. Martin, Richard C., 2002, EQ, Inimitability of the Quran, pp. 526-536.
30. Wild, Stefan, 2006, The Quran: an Encyclopedia, INIMITABILITY, pp. 295-296.